

امپراتوری دروغ



علی مژوعی خبرنگار گروه سیاست

دونالد ترامپ از زمان آغاز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه هر روز یک حرف متناقض و پادیروزش زده و در یک دوره فشرده یک هفته‌ای از تکرار ادعاهای نشانیا هو مبنی بر «براندازی حکومت» به عبارت «نمی‌خواهم شاهد تغییر رژیم باشم» رسید. رئیس‌جمهوری که دروغ با زیست سیاسی اش عجین شده پس از آنکه رهبر انقلاب در سو مین پیام تلویزیونی خود رژیم صهیونیستی را له شده در جنگ توصیف کرد و از ناوخته شدن سیلی سخت ایران به گونه آمر یکا گفت برای آنکه روایت پیروزش از یک صحنه نبرد پر هز یه باطل نشده باشد بار دیگر همان ادعاهای میهنشگی در مورد نابودی تأسیسات هسته‌ای و جلوگیری از تداوم جنگ توسط اسرائیل را تکرار کرد و با همان روحیه استکباری خود خواهان تشکر از جانب ایران شد. رئیس‌جمهور مَلاک آمر یکا ایران را با هلند اشتباه گرفته که در آن دبیرکل هلندی ناتو او را پدر خطاب می‌کند، اما پشت صحنه، ملکه این کشور یا در آوردن ادای ترامپ نشان می‌دهد که همه تملق‌ها و چاپلوسی‌های سیاستمداران جهان با هدف تأیید روحیه استکباری ترامپ و امتیاز گرفتن از او صورت می‌گیرد. ایران اما برای مواجهه و مهار ترامپ نیازی به چاپلوسی ندارد. کشوری که می‌تواند با نشان دادن ضرر به‌شست خود در میدان، رئیس‌جمهور مدعی آمریکا را در یک شب از موضع «براندازی در ایران» به «لطفاً آتش بس را نقض نکنید» برساند، برای روایت میدان‌نیزی به چاپلوسی نداشته و واقعیت‌ها را بدون لکنت روایت می‌کند. واقعیتی که اثر میدانی آن در ۳۰ نقطه استراتژیک اسرائیل قابل مشاهده است و اثر راهبردی آن نیز در مجموعه‌ای از اهداف تعیین شده‌ای که در ماجراجویی جدید نشانیا هو و ترامپ تحقق نیافت و یک به یک از دستور کار خارج شد.

نظم چه جهانی؟

ترامپ در ابتدای یک متن مملو از روایات دروغ مدعی شده که در حین تقابل نظامی با ایران او اجازه نداده تا اسرائیل عملیات تروریستی بیشتری در ایران جرایی کند. این در حالی است که پسرانیل کاتس، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی اعتراف

کرده که اسرائیل قصد داشته یکی از مقامات را ترور کند؛ اما فرصت ممکن برای این اقدام برایش فراهم نشده است. ترامپ که بعد از شکست تمام رؤیایفای هایش اکنون می‌خواهد روغن ریخته را نذر امام‌زاده کند در ادعای دیگر مدعی است او مانع از آن شده تا هوایماهای اسرائیل بعد از اعلام زمان آتش بس بار دیگر ایران را بمباران کنند. بمبارانی که ترامپ آن را «ضرر به نهایی» نامیده است. او البته در زمان جنگ هم چندین بار عباراتی مشابه «پایان واقعی» را مطرح کرده بود؛ اما در نهایت این مقاومت مردم ایران و ضربات جانانه موشکی به قلب شهر های اسرائیل بود که این توهمات را از بین برد. ضرر به نهایی را هم برخلاف تصور ترامپ ایران در ساعات پایانی جنگ با موشک‌های نسل جدید به نقاط مختلف از شمال تا جنوب سرزمین های اشغالی وارد آورد تا ترامپ و نشانیا هو در یک قمار از پیش باخته دیگر ورود نکنند. رئیس‌جمهور دروغگوی آمریکا در ادامه اظهاراتش مدعی شده او پس از جنگ به دنبال اعمال معافیت‌های تحریمی به ایران بوده اما اظهارات رهبر انقلاب مانع از آن است. او در حالی سعی دارد با این بهانه‌جویی‌ها حاکمیت ایران را مقصر عدم لغو تحریم‌ها معرفی کند که در حین مهیا شدن برای برگزاری ششمین دور از مذاکرات غیر مستقیم با ایران مشغول توطئه‌چینی برای فریب ایران و بیترس‌سازی برای تهاجم اسرائیل بوده است. اخباری که در مورد تخلیه سفارتخانه‌های آمریکا شب قبل از حمله منتشر شد سسند خوبی برای این ریاکاری است. کسی که مدعی است جلوی اسرائیل را برای حمله گرفته اگر واقعاً چنین عز می‌داشت چرا همان سحرگاه ۲۳ خرداد جلوی اسرائیل را نگرفت. جواب مشخص است. توهماتی که مانع از آن شده بود آمریکا و اسرائیل ابزارهای بازدارندگی تهران از حمله ملت مقاوم ایران را در محاسبات غلط خود لحاظ کنند در نهایت باعث شد رئیس‌جمهور آمریکا دستس‌ها را بالا برده و سراسیمه خطوط تلفن شیوخ عرب منطقه را اشغال کند و دست آخر از کانال سنتی عمان درخواست آتش بس به تهران بفرستد. ترامپ این متن سرتاسر حشویات را این گونه به پایان می‌برد که ایران یک کشور منهدم و با ازتشی نابود شده است که باید به جریان نظم جهانی بازگردد. در پاسخ به این ادعا نیز اولاً باید گفت نشانیا هو نیز صبح ۲۳ خرداد بعد از ترور فرماندهان و چنین تصویری از سسازمان رزم ایران داشت که خود را به ورطه انهدام کشاند و همان سازمان رزم، سرزمینی سوخته و پالایشگاه‌های خاموش در آتش جنگ

چرا مدعیان فارسی‌زبان حقوق بشر حمله به ایران را توجیه کردند؟

نوبل جنگ



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

شیرین عبادی و دیگرانی که از زندان جایزه صلح نوبل گرفتند و سال‌ها برچسب مدافع حقوق بشر به خود چسبانده بودند و فاند‌های چندمیلیون‌دلاری به جیب زدند، حالا نگران احوال عوامل موساد دستگیرشده در ایران هستند. عبادی، اولین ایرانی دریافت‌کننده جایزه صلح نوبل، با اشاره به دستگیری صدها نفر در جریان جنگ ایران و اسرائیل می‌گوید: «رژیم ایران تلاش می‌کند شکست خود را با بازداشت مردم جبران کند. «منظور او از مردم همان وطن‌فروشان هستند که دستان کثیفشان به خون پاک ۶۲۷ زن و مرد و پیر و جوان و کودک ایرانی در این ۱۲ روز آغشته شد. عبادی و دیگر اصطلاحاً مدافعان حقوق بشر، برای دفاع ایران مقابل رژیم صهیونیستی بیانیه دادند و در آن بدون محکومیت تجاوزات اسرائیل، خواستار توقف غنی‌سازی شدند و به جای دفاع از مردم ایران، سعی کردند به حملات نظامی علیه آن‌ها مشروعیت دهند. تلاش برای سیاسی جلوه دادن دستگیری‌های امنیتی، اعتبار این افراد را بیش از پیش زیر سؤال برده و نشان‌دهنده شکاف عمیق بین ادعاهای حقوق بشری و عملکرد آن‌ها است. این در حالی است که بسیاری از موارد کشف تسلیحات و دستگیری خائشان با گزارشات مستقیم «مردم» بوده است. روز گذشته هم پیکر ۶۰ تن از شهدای دفاع ۱۲ روزه با حضور خیل عظیمی از این «مردم» قدرشناس تشییع و خاکسپاری شد.

اگر آتش به خانه خودتان هم می‌رسید همین را می‌گفتید؟

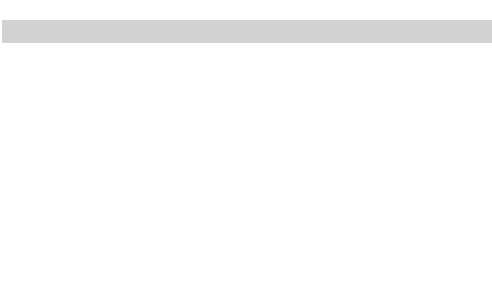
شیرین عبادی و همفکرانش که سال‌ها با عنوان مدافعان حقوق بشر شناخته می‌شدند، در مواجهه با تعرض رژیم صهیونی به خاک ایران، رویکردی دوگانه اتخاذ کرده‌اند. بیانیه‌ای که این گروه منتشر کرده، گویی از سوی فردی خارجی در باره جنگی بی‌ربط به اونوشته شده، بدون اشاره به حملات اسرائیل به غیرنظامیان ایرانی. انکار مقصر اصلی ایران است. این سکوت در برابر تجاوزات، نشان‌دهنده بی‌توجهی به درد مردم ایران است و نامی جز ننگ برای امضاکنندگان آن به جا نگذاشته است. در

ترامپ با عصبانیت از مقبول نیفتادن روایت پیروزی در جنگ با ایران، به دروغ‌پردازی ادامه می‌دهد

را تحویلش داد. ثانیاً اگر حتی همین نظم سوخته جهانی را هم ایران بخواهد بپذیرد بد نیست رئیس‌جمهور آمریکا مسیرش را معرفی کند؛ چون ایران که خیلی منظم داشت برای ادامه مذاکرات برنامه‌ریزی می‌کرد و این کاخ سفید است که اکنون بعد از رسوایی توطئه‌جویی هم‌زمان با مذاکره، متهم به آشوب‌افکنی و ایجاد نظمی در جهان است نه ایران.

مرزهای دروغ‌گویی جابه‌جاشد

اگر مواضع ترامپ تنها در یک هفته دو جنگ را مرور کنید احتمالاً دیگر هیچ‌وقت به‌فرزندان‌ده موهای خوارش را کشیده‌با اسباب‌بازی‌هایش را شکسته و گردن نمی‌گیرد صفت دروغ‌گو نمی‌دهید، چون اسناداد‌ها‌های به‌رو‌زتری در مورد سنجش کیفی و کمی دروغ در ذهنتان شکل می‌گیرد. رئیس‌جمهور آمریکا ۲۷ خرداد ادعا می‌کند به دنبال یک پایان واقعی برای ایران است و به چیزی جز تسلیم بی‌قید و شرط راضی نخواهد شد. ترامپ توهماتش در مورد براندازی را تا ۳۱ خرداد این گونه ادامه می‌دهد که «درخواست آتش بس از طرف کسی که در حال پیروزی باشد سخت است.» اگر همین ادعای ترامپ را مبنای قرار دهیم یعنی «تن‌دادن اسرائیل به آتش بس» راه خاطر «قرار داشتن آن در موضع پیروزی بدانیم» پس زمانی که در ۳ تیر این رژیم و آمریکا تن به آتش بس دادند و حتی درخواست اولیه آن را نیز ارائه کردند، «مطابق تعریف خود ترامپ» این آن‌ها بوده‌اند که «در موضع شکست» قرار داشته‌اند نه ایران. ترامپ بعد از حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران سر مستانه مدعی می‌شود هر اقدام تلافی‌جویانه ایران را با نیرویی بسیار فراتر از آنچه در فردوخ داده پاسخ خواهد داد. او فردای همان روز یک طرح هم برای براندازی در ایران رو کرد. رئیس‌جمهور آمریکا رسماً حرف نشانیا هو مبنی بر تغییر رژیم در ایران را تکرار کرد و گفت: «چرا تغییر رژیم در ایران صورت نگیرد؟» اما فاصله ارائه این طرح تا درخواست آتش بس کمتر از ۴۸ ساعت بود. ایران پایگاه آمریکایی العید در قطر را هدف قرار داد تا این پیام را بدهد که در صورت تداوم تهاجم هیچ‌رودریاستی با کشور های منطقه برای زیر ضرب بردن پایگاه‌های آمریکایی ندارد. این مواجهه باعث شد تا ترامپ که سعی دارد از خودش یک وجهه ضد جنگ در آمریکا بسازد پای آمریکا را صریح‌تر در وسط جنگ دیده و تن به آتش بس بدهد. او بر خلاف ادعاهای گذشته‌اش گفت نمی‌خواهد شاهد تغییر رژیم در ایران باشد و صریحاً اعلام کرد «اکنون زمان صلح است.» این اظهارات



اسرائیل را پایان دهد. آن‌ها همچنین خواستار کناره‌گیری هبت حاکم‌و گذار به دموکراسی شدند. این بیانیه نه تنها از محکوم کردن تجاوزات اسرائیل به ایران خودداری کرده، بلکه با تمرکز بر توقف غنی‌سازی، عملاً ایران را مقصر اصلی مناقشه معرفی کرده است. نتیجه منطقی چنین موضعی، پذیرش مشروعیت حمله نظامی به ایران است، آن‌هم در شرایطی که زیرساخت‌های غیرنظامی و جان‌شهر و ندان بی‌گناه ایرانی هدف قرار گرفته‌اند. این متن، با عادی‌سازی تجاوز نظامی و سکوت در برابر نسل‌کشی در غزه، تهی از ردپای حقوق بشر است و سقوط عقلا یت سیاسی و مدنی مدنظر آنهاست. حتی یک کلمه در محکومیت متجاوز در آن دیده نمی‌شود و رست صلح طلبی جای خرد را گرفته است. این بیانیه با لحنی سرد و بی‌تفاوت به درد مردم، بیماری رزمی را نشان می‌دهد که برخی رابه دشمن ملت تبدیل کرده است. خواستار توقف غنی‌سازی شدن در اوج حمله نظامی خارجی، خواسته‌ای غیرو عینانه است که به نفع متجاوز عمل می‌کند. گویی این متن از سوی وزارت خارجه کشوری دیگر نوشته شده و البته که حتی ممکن است آن کشور متصفانه‌تر موضع گرفته باشد. این بیانیه، با انکار استدلال‌هایی مشابه سخنان مقامات رژیم صهیونیستی پس از حملات به غزه، شرم‌آور است و فاقد شجاعت صلح طلبانه است. آن‌ها از ترس زنجاندن قدرت‌های غربی، نسل‌کشی در غزه و تجاوز به خاک ایران را محکوم نمی‌کنند. حملات اسرائیل به زیرساخت‌ها و غیرنظامیان، نقض ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد و پروتکل های الحاقی کنوانسیون ژنو است و علی‌القاعده جنایت جنگی است. اما اشاره این به قاعده‌ها هیچ‌وقت در مسلک نوبل‌گیران نبوده است. صلح طلبی نیاز مند ایستادن بر اصول است، نه دلجویی از همه طرف‌ها.

چیزی برای کتمان ننمانده است

این بیانیه که با ادعای صلح طلبی منتشر شد، درواقع بخشی از پروژه‌ای هماهنگ برای تقویت روایت‌های ضدایرانی است. هم‌زمان انتشار آن با دریافت فاند‌های کلان توسط بنیاد شیرین عبادی که در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ مبلغ ۸۰۰ هزار دلار از دولت آمریکا در یافت کرد، نشان‌دهنده پیوند مالی و سیاسی این گروه با حامیان خارجی است. این بودجه‌ها که با نشست جورج تاون و جایزه نوبل نرگس محمدی هم‌زمان بود، به کلیدواژه‌هایی مانند «آرپادیت جنسیتی» گره خورده که با بیانیه‌ها و کمپین‌های این افراد تکرار می‌شود. این کلیدواژه که در اظهارات محمدی و عبادی پررنگ است، بخشی از استراتژی جلب حمایت بین‌المللی و مشروعیت‌بخشی به مواضع سیاسی آن‌ها است. اما اختلافات داخلی اویزیون از جمله افشاکری‌های نیاز مند ایستادن بر اصول است، نه دلجویی از همه طرف‌ها.

صهیونیست‌ها اعلام کردند برای جلوگیری از وقوع قطعی کمک‌های غذایی را در مراکز توزیع مستقیم به دست مردم می‌سانند.

در نتیجه ده‌ها هزار نفر با طی مسیرهای طولانی و تحمل چندین ساعت حضور در صف‌های شلوغ آن‌هم زیر نور و گرمای شدید آفتاب، مقادیر کمی مواد غذایی خام دریافت می‌کنند که بخشی از آن‌ها نیز فاسد است.

آنچه اما تعجب‌برانگیز است صهیونیست‌ها در همین صف‌ها دست به شلیک گلوله و ششپهد کردن ده‌ها نفر در هر روز می‌زنند؛ کشتاری که هزینه نسبت به روش بمباران قبلی.

کشتار مردم در صف‌های غذا که ابداع روش جدیدی برای جنایت است، خشم افکار عمومی را برانگیخته و دولت‌ها را برای اعتراض به رژیم صهیونی تحت فشار قرار داده است.

در سری دیگر با بحرانی شدن اوضاع در داخل رژیم صهیونی در طول جنگ با ایران، گروه‌های خودسر راست افراطی در شهرک‌های صهیونیست‌نشین کرانه باختری بر شدت اقدامات خود علیه فلسطینی‌ها افزوده‌اند.

این اقدام نیز خشم جامعه جهانی را برانگیخت و دولت رژیم پس از جنگ مجبور

درحالی مطرح می‌شود که او از ابتدا در سو‌دای براندازی وارد کارزار منطقه شده بود؛ اما پس از پذیرش شکست به طور کلی منکر شد که چنین برنامه‌ای داشته است.

اینجا هلند نیست آقای بازنده

ترامپ از همان روز اولی که تصدی کاخ سفید را برای بار دوم به دست گرفته است تصورش این بوده که این بار نه بر آمریکا که بر ۷ اقلیم جهان حکومت می‌کند. برای همین هم یک روز ادعای اضافه شدن کانادا و گرینلند به آمریکا و تغییر نام خلیج مکزیک را مطرح کرد، یک روز ادعای پایان جنگ در اوکراین و غزه، یک روز وضع تعرفه‌های چند ده درصدی و چند روز پیش هم ادعای براندازی در ایران. اما نتایج نشان داد که رئیس‌جمهور آمریکا نه آنقدر که مدعی است قدرتی دارد و نه در جهان آنقدر هادجی گرفته می‌شود. نمود این جدی گرفته شدن را هم ملکه هلند نشان داد که ادای حرف زدن ترامپ را درآورد، آن تنها چند ساعت بعد از پدر خطاب قرار دادن ترامپ توسط دبیرکل هلندی ناتو نشان دهد همه این چاپلوسی‌های مقامات اروپایی صرفاً به این دلیل است که خوی استکباری آقای رئیس‌جمهور ارضا شده و امتیازات گرفته شده از او تداوم یابد. اینکه رزنسکی هم بدون اینکه تن به پایان جنگ بدهد نهایتاً باکت و شسلوار به جلسه سران ناتو می‌رود نشان می‌دهد هدف صرفاً القای این موضوع به ذهن ترامپ است که همه‌دارند به او چشم می‌گویند. این چشم گفتن‌ها باعث شده است تا ترامپ با وقاحت از ایران بخواهد بابت پایان جنگ هم از او تشکر کند اما نه ایران هلند است که حاکمانش زبان صریح در بیان واقعیت نداشته باشند نه حافظه تاریخی مردم جهان آنقدری کم است که به خاطر نیاورند از «تهدیدهای براندازی» تا «آتش بس را نقض نکنید» تنها یک شب نروانی در «پایگاه آمریکایی العید در قطر» فاصله بوده است نه بیشتر. ترامپ اکنون به نمادی تام از مفهوم استکبار جهانی تبدیل شده که ایران از همان روز‌های نخست انقلاب، علم تقابل با آن را برداشته است. فردی قدرت‌طلب و سلطه‌جو که انتقادهای نزدیک‌ترین افراد به خود همچون ایلان ماسک را نیز تحمل نمی‌کند و آن‌ها را از دولتش بیرون می‌کند، اکنون تنها یک صدا در مقابل خود می‌بیند و هیچ‌کاری جز پرخاشگری نیز برای مواجهه با این صدا زدنش بر نمی‌آید. صدای رسایی که رهبر انقلاب در سو مین پیام خود به ملت ایران این گونه آن‌را در جهان طنین انداز کردند: «جمهوری اسلامی پیروز شد و متقابلاً سیلی سختی به گونه آمریکا نواخت.»



سلطنت طلبان علیه این گروه، نشان‌دهنده شکست این پروژه‌هاست؛ چراکه حتی حامیان مالی نیز از سوءاستفاده از این بودجه‌ها که ۸۸ سنت از هر دلار صرف هزینه‌های شخصی شده، انتقاد کرده‌اند.

کدام صلح؟

این گروه این اقدامات را به سرکوب سیاسيون و فعالان مدنی ربط داده و سعی کرده‌اند اتهامات متنگین امنیتی را قائل‌بازداشت‌های سیاسی بازنمایي کنند. در این میان، دستگیری افراد متهم، به‌همکاری با موساد در شهر های مختلف مانند تیرز، ارومیه، یزدو کهگیلویه و بویراحمد گزارش شد. برای مثال، در تیرز فردی به اتهام رد و بدل اطلاعات محرمانه و طراحی پهپاد و در ارومیه پنج جاسوس موساد و یک تیم سلطنت‌طلب دستگیر شدند. همچنین در یزد یک جاسوس اطلاعات مراکز حساس را به موساد منتقل کرده و دو در کهگیلویه و بویراحمد شبکه‌ای سازمان‌یافته پیش از اقدام خرابکارانه متلاشی شد. این گروه اما با نادیده گرفتن شواهد این فعالیت‌های خرابکارانه مانند کشف سلاح، پهپاد و بمب‌های دست‌ساز در استان‌های البرز، هوز، گیلان و لرستان، این دستگیری‌ها را سیاسی خوانده و مدعی شده‌اند که هدف، خفقان بیشتر در جامعه است. موضعی که نشان‌دهنده بی‌توجهی به امنیت ملی و رنج خانواده‌شهادایی است که پیکر برخی از آن‌ها روز گذشته با حضور طیف‌های مختلف مردم تشییع شد.

دل‌پاسان فاند

مواضع این گروه و بیانیه اخیر، واکنش‌های منفی گسترده‌ای در داخل و خارج ایران به دنبال داشته است. این بیانیه، رد‌زانه و فاقد شجاعت لازم برای محکوم کردن تجاوزات اسرائیل است. صلح طلبی نیز مند ایستادن در جای درست است، نه هر کجا پول بیشتری باشد. این متن، با لحنی مشابه سخنان مقامات اسرائیلی پس از حملات به غزه، شرم‌آور است و نشان‌دهنده مسخ شدن در برابر حقیقت. حتی محققان خارجی که گاهی علیه ایران موضع می‌گیرند هم صریح‌تر متجاوز را محکوم کرده‌اند. این بیانیه که گویی برای جلب تأیید کاپیتنه جنگ اسرائیل نوشته شده، فاقد اصالت است و اندک اعتبار امضاکنندگان را هم به چالش کشیده است. در این باره وطن‌فروشی، کسانی که بدون لکنت از تجاوز اسرائیل سخن می‌گویند و نگاران فاند و اقامت‌نستند، شرف اصالت خود را حفظ کرده‌اند. اما امضاکنندگان این متن، با کتمان تجاوز آت‌سکار اسرائیل و ادعای بدون پشتوانه در نظر مردم ایران، ننگ ایندی را برای خود خریده‌اند.



شد با اعزام یگان‌های ارتش دست به سرکوب و بازداشت اعضای این گروه‌ها در حین خرابکاری در کرانه باختری برند.

مصائب نشانیا هو

نشانیا هو کمتر از ۴۸ ساعت قبل از صدور دستور حمله به ایران شاهد برگزاری جلسه پارلمان برای برگزاری خودبود. خبریدی‌ها هر چند با او در ائتلاف دولتی پارلمان قرار داشتند؛ اما به دلیل تلاش برای جذب سرباز از این قشر مذهبی در پی خروج از دولت برآمدند. نشانیا هو در شرایطی بحرانی جلوی سقوط خود را گرفت؛ اما با این وجود طی دو هفته بعد از آن همچنان تهدید ادامه یافت. به نظر می‌رسد عامل اصلی در صدور فوری دستور حمله، گرفتار شدن نشانیا هو در چنین محصه‌ای بود. با این حال پس از پایان جنگ او با بحران پرونده قضائی خود روبه‌رو شده و طی هفته‌های آتی باید بار دیگر در دادگاه حاضر شود. او در نوبت‌های قبلی با ادعای شرایط ویژه با جلسات دادگاه را به تعویق انداخته و یادر میانه برگزاری آن‌ها، جلسه اترک کرده بود. به نظر می‌رسد جنگ به‌طور موقت مشکل سیاسی او را حل کرد؛ اما مشکلات قضائی و اعتراضات خیابانی تداوم یافته‌اند. معترضان در خیابان‌های تل آویو خواستار نواق آتش بس در غزه برای آزادی کر وگان‌ها هستند.